



جمهوری اسلامی ایران
مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان

بیت

شماره: ۲۰۸... ۲۰۸... ۹۷
تاریخ: ۴... ۲۰۸... ۱۳۹۷
پست:

حضرت آیت الله جنتی حاکم سرکته،
دبیر محترم شورای نگهبان

سلام علیکم

بدینوسیله گزارش جلسه هزار و هفتاد و سوم مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان مورخ ۱۳۹۷/۰۲/۰۲ مشتمل بر بررسی چهار نامه دیوان عدالت اداری ارائه شده به شرح ذیل تقدیم می گردد:

دستور اول، نامه دیوان عدالت اداری مبنی بر دادخواست جناب آقای امید حمزه‌ای مبتنی بر ادعای خلاف شرع بودن اطلاق بند ۱ بخشنامه شماره ۲۰۳۲۹۴۳-۱۱/۳-۱۳۹۴ وزیر جهاد کشاورزی.

بزرگواران: بند مورد شکایت خلاف شرع دانسته نشد.

توضیح این که ملاحظه بخشنامه مزبور می‌رساند که بخشنامه فقط ثبت سفارش جدید را منع می‌نماید و سفارشات ثبت شده سابق را شامل نمی‌شود و لذا وجهی برای خلاف شرع دانستن آن نیست.

دستور دوم، نامه دیوان عدالت اداری مبنی بر دادخواست جناب آقای محمود کریمی اندرزقی مبتنی بر ادعای خلاف شرع بودن نامه شماره ۲۲۴/۹۳/۹۳۹۵ مورخ ۱۳۹۳/۷/۹ معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور.

بزرگواران: نامه مورد شکایت خلاف شرع دانسته نشد.

توضیح این که همان گونه که در دفاعیه سازمان اداری و استخدامی کشور بیان شده است ظاهراً قسمت مؤخر ماده «۵» قانون اصلاح قانون استخدام و شرایط کارآموزی مصوب سال ۱۳۴۷ مبنی بر این که «وزارت دادگستری می‌تواند کارآموزان قضایی را با عنایت به ترتیبات مندرج در ماده مذکور بدون انجام امتحان و مسابقه و طی دوره آزمایشی به شغل اداری منصوب نماید.» مغایر با ماده ۴۴ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ مجلس شورای اسلامی بوده و توسط آن نسخ می‌گردد زیرا مفاد ماده «۴۴» آن است که «به کارگیری افراد در دستگاه‌های اجرایی پس از پذیرفته شدن در امتحان عمومی که به طور رسمی نشد آنگهی می‌گردد و نیز امتحان یا مسابقه تخصصی امکان پذیر است ...»، و بر اساس ماده ۱۲۷ قانون مدیریت خدمات کشوری مبنی بر لغو قوانین مغایر با این قانون، قسمت مؤخر ماده ۵ قانون اصلاح قانون استخدام - مصوب ۱۳۴۷ - که منافی با ماده ۴۴ قانون جدید است لغو و نسخ می‌گردد و بعد از نسخ، آن دیگر نمی‌تواند به آن استناد کرد.

البته نظر یکی از اعضای این بود که قانون سابق یعنی قسمت مؤخر ماده ۵، در مورد وزارت دادگستری و کارآموزان قضایی می‌باشد ولی مفاد ماده ۴۴ قانون مدیریت خدمات کشوری در مورد دستگاه‌های اجرایی است و شامل کارآموزان قضایی و قوه قضائیه نمی‌شود و بر فرض شمول آنان، از باب عام و خاص، قانون جدید عام بوده و شامل تمام دستگاه‌ها از جمله کارآموزان قضایی است و توسط خاص سابق و قانون سابق تخصیص زده می‌شود.

لکن حق آن است که (همان گونه که بقیه اعضا گفته‌اند) با توجه به اصل ۱۵۷ قانون اساسی (به منظور انجام مسئولیت‌های قوه قضائیه در کلیه امور قضایی و اداری و اجرایی، مقام رهبری یک نفر مجتهد ...) رئیس قوه قضائیه مسئولیت اداری را نیز دارد، داد و در ذیل اصل ۱۶۰ تصریح دارد که واگذاری امور اداری به وزیر دادگستری او را همانند سایر وزراء مسئول کارهای اجرایی می‌سازد و از این جا استفاده می‌شود که همه کارهای اجرایی در اختیار رئیس قوه است که واگذاری آن به وزیر چنین قدرتی به او می‌دهد بنابراین رئیس قوه قضائیه خودش مسئول و قوه قضائیه نهاد اجرایی و اداری در قوه مزبور است و ماده ۴۴ قانون جدید این نهاد را نیز شامل می‌شود و در نتیجه قسمت مؤخر ماده ۵ (مصوب ۱۳۴۷) را نسخ می‌نماید و قهراً جانی برای استناد به آن نیست.

و ذیل اصل ۱۶۰ قانون اساسی، افراد دستگاه‌های اجرایی شامل کارآموزان قضایی نیز می‌گردد و ظاهر آن است که با توجه به اصل ۱۲۷ قانون مدیریت خدمات کشور، قانون سابق نسخ گردیده است.

4449

دستور سوم: نامه دیوان عدالت اداری مبنی بر دادخواست جناب آقای سعید کنعانی مبتنی بر ادعای خلاف شرع بودن مواد ۵ و ۴ آیین نامه اجرایی کمیسیون های پزشکی بدوی و تجدیدنظر.

﴿اللہ﴾: مواد ذکر شده خلاف شرع دانسته شد.

توضیح این که همان گونه که در جلسه ۹۰۷ مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان مورخ ۱۳۹۵/۵/۱۰ و نامه شماره ۹۵/۱۰۲/۲۰۰۳ - ۱۳۹۵/۶/۲ قائم مقام دبیر شورای نگهبان و جلسه ۹۸۶ مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان بیان شده است عدم ذکر شرایط لازم از جمله ایمان، عدالت و وثاقت مجوز ورود افراد غیرمؤمن و فاسق غیرمؤثق در کمیسیون های پزشکی مربوطه می شود و این موضوع دارای توالی فاسده می باشد خصوصاً با توجه به این که اختیارات و حیطه تصمیمات ایشان شبیه قضاوت بوده و لازم الاجراء می باشد فلذا اعتماد به اطلاق و عدم ذکر شرائط مذکور در آن خلاف شرع می باشد.

در مقابل نظر یکی از اعضای این بود که در فرضی که شخص تصمیم گیرنده مورد وثوق باشد ایرادی ندارد - هر چند کافر باشد- و تالی فاسد ندارد و شخص در واقع کارشناسی بوده که در موضوعات نظر می دهد.

و لکن در ما نحن فیه مجرد کارشناسی که اثری بر آن مترتب می باشد، نیست بلکه موجب ترتیب آثار و تضييع حقوق مسلمانان است و همان گونه که در باب شهادت شرائطی برای قبول شهادت شاهد لازم است در این جا نیز همین گونه است و باید اطلاق مواد مزبور تقیید بخورد

دستور چهارم: نامه دیوان عدالت اداری مبنی بر دادخواست جناب آقای خداداد گل محمدی مبتنی بر ادعای خلاف شرع بودن بخشنامه شماره ۳/۱۷۲۵۸. ط مورخ ۱۳۸۰/۱۱/۲۹ سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.

﴿اللہ﴾: بخشنامه مورد شکایت خلاف شرع دانسته نشد.

توضیح این که بخشنامه مزبور به دارندگان مدارک لیسانس به بالا امتیازاتی را اعطاء نموده است و وجهی برای خلاف شرع بودن اعطاء این امتیاز به ایشان نیست و لذا خلاف شرع دانسته نشد. و اما ندادن این امتیاز به کسانی که مدارک مزبور را ندارند در بخشنامه ذکر نشده است تا محل اشکال واقع شود و بلکه مقتضای قوانین دیگری است که مورد عمل دستگاه ها می باشد.

مجمع شورتی فقهی شورای نگهبان

